

---

---

## عبد الغفور لاری و آثار او

دکتر محمود عابدی

دانشگاه تربیت معلم

---

---

« زمان سلطان حسین میرزا، عجب زمانی بود! از اهل فضل، خراسان بخصوص شهر هری، مملو بود. هرکس به هر کاری که مشغول بود همتش آن بود که آن را به کمال رساند»<sup>۱</sup>

شهر بالنسبه آرام و دولتمند هرات در روزگار امیران ادب دوست و هنر پرور تیموری، خاصه سلطان حسین بایقرا (سالهای حکومت ۸۷۸ - ۹۱۲) به وجود چندین عالم صاحب هنر و هنرمند دانشور آراسته بود که هریک در تاریخ فرهنگ و ادب ایران مقامی شایسته دارند.

از سرآمدان این عالمان نامور نور الدین عبدالرحمان جامی (۸۱۷ - ۸۹۸) بود. جامی، به همراه پدر، به هوای دانش و معرفت از خرچرد جام<sup>۲</sup> به هرات آمد و پس از درک محضر عالمان و صوفیان نامدار عصر، در آن قرارگاه امنیت و سلامت به مقامی رسید که سالها چشم تمنّا و دست طلب خواستاران ادب و عرفان را از هرسو به جانب آن شهر می گردانید.<sup>۳</sup> بیشتر آثاری که از دوران بلوغ

علمی و ادبی این شاعر عارف برجای مانده و خود گنجینه‌ای گران مقدار است، نتیجه ایامی است که وی در نهایت آسودگی و فراغ دل می‌زیست و نظر لطف و تشویق شاه تیموری و وزیر ادیب وی، امیر علی شیر نوایی (م: ۹۰۶) خاطر وی را می‌نواخت.

از برکات حوزه علمی و فرهنگی هرات قرن نهم که در سایه حمایت و رعایت این بزرگان هستی گرفته بود، البته تنها و جود جامی عارف و شاعر، امیر علی شیر نوایی وزیر و ادیب، و کمال الدین بهزاد نقاش (م: حدود ۹۳۰) نبود، چرا که هریک از اینان به مثابه منبع فیاض علم و کانون فروزان هنر، جمعیتی از دانش طلبان و هنر آموزان مستعد را در پیرامون خود می‌داشتند و می‌پروراندند. از همین جاست که حوزه فرهنگی هرات، با آن گنجینه هنر و دانش و مجموعه هنرمندان و دانشوران خود، مهمترین مرکز فرهنگی قرن نهم به شمار است و در طول تاریخ ادب و فرهنگ ایران نیز جایگاه ارجمندی یافته است.

بی تردید مطالعه و بررسی جنبه‌های گوناگون هنر و ادب و شناخت و معرفی برجستگان حوزه هرات کار لازم و گسترده‌ای است که فرصتی در خور می‌خواهد. این نوشته بر آن است که به تناسب حوصله خود تنها به معرفی یکی از دانش آموختگان مکتب هرات و یکی از معروفترین شاگردان جامی، یعنی عبدالغفور لاری، بپردازد.

رضی الدین عبدالغفور لاری، شاگرد معروف عبدالرحمان جامی و استاد فخرالدین علی صفی،<sup>۴</sup> چنانکه گفته‌اند و از نسبتش نیز پیداست از لار فارس و از بزرگان آن دیار بود و نسبش به سعد بن عباد،<sup>۵</sup> صحابی معروف، می‌رسد. روشن نیست که وی در چه تاریخی به هرات آمد، اما از بعضی از نوشته‌هایش<sup>۶</sup> برمی‌آید که جمیع رسائل جامی در تصوف و بعضی دیگر از کتب این طایفه را در حضور وی گذراند. و گویا در همین ایام از هم او استدعای تعلیم و تلقین ذکر کرد<sup>۷</sup> و به حلقه مریدان عارف جام پیوست و ظاهراً پس از طی این مراتب و مقارن با دهه‌های پایانی عمر استاد بود که به اقتضای علم و قابلیت خویش با وی یعنی سر آمد فاضلان عصر، انس و الفتی خاص یافت. در آن روز لاری،

بی تردید، از عالمان معروف و مدرّسان سرشناس حوزه فرهنگی هرات به شمار می آمد و محلّ مراجعه طالب علمان بود.

توصیف ستایش آمیز جامی،<sup>۸</sup> که بنابر گواهی آثار موجودش کسی از معاصران را بسادگی به فضل نمی ستاید، از او، یا گفته ظهیرالدین بابر (م: ۹۳۷)، امیر با فضل تیموری و مؤسس سلسله بابر هندوستان درباره وی، از بهترین شواهدی است که مقام علمی او را نشان می دهد. در اینجا از فایده ای خالی نیست آنچه را که این امیر تیموری در بابرنامه خود آورده است نقل کنیم تا شاید تصوّر مقام و شخصیت علمی وی برای خواننده روشنتر شود. ظهیرالدین بابر در ضمن معرفی چندتن از بزرگان روزگار سلطان حسین بایقرا، پروردگان حوزه علمی هرات مانند نوایی، جامی و دیگران می نویسد:

«دیگر ملا عبدالغفور لاری بود. هم مرید و هم شاگرد ملا عبدالرحمان جامی بود و اکثر مصنّفات ملا را در پیش ملا گذرانده و برنفعات انفعات الانس<sup>۹</sup> مثل شرح چیزی نوشته. در اظ: از اعلوم ظاهری و از علوم باطنی هم بهره مند بود. عجب بی تعین و بی تکلیف اظ: بی تکلف کسی بود. هر کسی را ملا می گفتند از جزوا= مجموعه احادیث روایت شده از یک تن، جزوا کشیدن پیش او عارش نبود. در هر جا که درویشی نشان می دادند تا رسیدن پیش او قرای اظ: قرارش نبود. وقت رفتن من به خراسان حدود سال ۱۹۱۲ ملا عبدالغفور مریض بود. در وقت طواف نمودن مزار همراه ملا ا؟ ا؟ به عیادت ملا عبدالغفور رفته بودیم. در مدرسه ملا اظ: مدرسه ملا جامی مقصود است<sup>۱۰</sup> بود. بعد از چند روز به همان مرض نقل کرد.»<sup>۱۱</sup>

این وصف ساده و بی پیرایه بخوبی از کیفیت دانش طلبی و ارادت و محبت لاری نسبت به درویشان، در عین ملایی، حکایت دارد؛ چنانکه آثار شناخته شده او نیز به صحت سخن کسانی که وی را به فضل و کمال ستوده اند دلالت می کند.

آثاری که امروز ما از عبدالغفور لاری می شناسیم:

۱ - حاشیه برنفعات الانس (= شرح مشکلات نفعات الانس) جامی

نفحات الانس من حضرات القدس از معروفترین آثار منشور جامی است که در میان سالهای ۸۸۱ - ۸۸۳ و به تشویق امیرعلی شیر نوایی تألیف یافته است. این کتاب در شرح احوال بیش از ۶۱۸ تن از مشایخ تصوف اسلامی است از آغاز یعنی ابوهاشم صوفی (زنده در قرن دوم)، تا روزگار مولف، یعنی خواجه عبیدالله احرار (م: ۸۹۵)، و از خراسان تا مصر، و در حقیقت گزیدهٔ مجموعه‌ای از کتابهایی است که مؤلفان تاریخ و معارف صوفیه تا هنگام تألیف آن نوشته‌اند. تقریباً همهٔ متن نفحات الانس، با اندکی تغییر و تصرف، از کتب دیگر مأخوذ است کتابهایی که اغلب آنان به زبان فارسی<sup>۱۱</sup> و بعضی به عربی<sup>۱۲</sup> است، مؤلف بسیاری از اقوال مشایخ و احیاناً حکایاتی را، ظاهراً برای رعایت ملاحظاتی به همان زبان اصل، عربی، آورده است.

لاری در مقدمه این حواشی می‌گوید:

«... و بعد نموده می‌آید که فقیر حقیر... عبدالغفور لاری هرچند خود را شایستهٔ تصدی جمع و تألیف نمی‌داند... اما چون در این وقت خاطر خطیر... حضرت مخدوم زاده... ضیاءالملّة و الدین یوسف، مایل شد به مطالعه کتاب نفحات الانس که یکی از مصنّفات والد بزرگوار ایشان است... و بسیاری از مواضع این کتاب به کشف و بیان محتاج بود و فقیر این کتاب را پیش آن حضرت - قدس سره - گذرانیده<sup>۱۳</sup> بود و از مواضع مشکله آن تفتیش نموده و به یمن نفس مبارک ایشان چیزی به چیزی فهم کرده، امر فرمودند به جمع سخنانی که بر زبان مبارک ایشان گذشته یا به بر که اجرکت نفس ایشان فایض گشته، و چون امثال امر ایشان واجب بود،... جرأت نموده متصدی این جمع و تألیف شد. و چون این کتاب مشتمل بر ذکر حضرات قدس و عاری بود از ذکر ذات اقدس ایشان... مناسب نمود که در خاتمه این تعلیقه شمه‌ای از احوالی که آن حال یا مثل آن خود مشاهده نموده یا از ایشان شنیده، نوشته شود تکملة للکتاب... و به التوفیق و علیه التکلان...»<sup>۱۴</sup>

به سخن کوتاه ضیاءالدین یوسف، فرزند جامی (۸۲۲ - ۹۱۹)، در ضمن خواندن نفحات الانس بر لاری از وی درخواست تا مواضع مشکل این کتاب را

شرح کند و آنچه را که در پیرامون آن از جامی شنیده یا خود در یافته فراهم آورد و بدینگونه این حواشی، یعنی مفصل‌ترین اثر لاری تا آنجا که ما می‌شناسیم پدید آمد.

**حاشیه لاری بر نفعات الانس شامل چند بخش و چند گونه است:**

الف: عمده‌ترین بخش آن ترجمه تقریباً همه عبارات عربی است اعم از آیات قرآنی، احادیث، اقوال مشایخ، اشعار و حکایاتی که مؤلف به عین عبارت از کتبی مانند طبقات الصوفیه سلمی، رساله قشیری، فتوحات مکیه، فصوص الحکم و غیر آن آورده است. لاری در این جا گاهی توضیحاتی نیز از خود به ترجمه متن افزوده است.

ب: ترجمه آنچه مؤلف در باب ضبط اعلام کتاب و تعریف آنان آورده است. اصل این عبارات غالباً از الانساب عبدالکریم سمعانی (م: ۵۶۲) است.

ج: توضیحاتی در پیرامون بعضی از عبارات کتاب. این توضیحات، بیشتر به بخش نخستین کتاب، نفعات الانس، مربوط است.

د: توضیحاتی در باب بعضی از لغات نادر کتاب ۱۵

۲ - تکمله نفعات الانس ۱۶

لاری پس از پایان حواشی خود بر نفعات الانس، چنانکه در سطور پیشین نیز گذشت، این تکمله در شرح احوال استاد خود، جامی، نوشته است. او خود در سبب نگارش تکمله می‌گوید:

« چون تسوید این اوراق [منظور حواشی نفعات الانس است] به توفیق علیم خلاق به سرحد اتمام رسید و ذکر طوایف اولیاء... به انجام کشید دل را تعطش به زلال ذکر احوال این طایفه همچنان برقرار بود... خصوصاً ذکر حضرت مخدوم... که نام خجسته فرجام سعادت انجام حضرت ایشان... که در نفعات مذکور نبود.

اگرچه تعریف و مدحت ایشان... مناسب مرتبه امثال ما فقیران نیست... لیکن چون این فقیر... مدتی چهره اخلاص بر آستان رفعت اختصاص ایشان سوده بود و

از سر صدق این اخلاص رایحه‌ای به مشام لطف ایشان رسیده، نسیم عنایت از ریاض مرحمت می‌وزید و از ایشان به قدر استعداد، احوال مشاهده می‌کرد و سخنان و معارف دلپذیر می‌شنید، جمیع رسایل ایشان که تعلق به سخنان صوفیه داشت و بعضی دیگر از کتب این طایفه در ملازمت حضرت ایشان گذرانیده بود... بنابراین به زبان صدق و سداد و لسان عجز و انقیاد متصدی بیان شمه‌ای از احوال و اقوال حضرت ایشان... شد.»<sup>۱۷</sup>

لاری بخشهایی از نوحات الانس را، که در آن مؤلف از مشاهدات خود و دیدارهایش با معاصران سخن می‌گوید،<sup>۱۸</sup> در این کتاب آورده و در آراستن سخن خود به شعر، که همه جاز خود جامی است، به شیوه کار استاد در رسایل فارسی، نظر داشته است. تاریخ تألیف تکمله سالهای میانه ۸۹۸ تا ۹۰۹ هجری است. سال نخست (۸۹۸) تاریخ در گذشت جامی و سال ۹۰۹ سال تألیف رشحات عین الحیات فخرالدین علی صفی است که در آن به تکمله استناد شده است.<sup>۱۹</sup> اما تکمله، بیگمان بهترین اثر موجود لاری است. نثر ساده و گزارش بالقبه پیراسته از هر نوع مبالغه او از احوال، اوصاف و سوانح زندگی استاد و مراد خود که به شیوه‌ای کم سابقه است و با طرز کار مریدان مقامات نویس تفاوتی آشکار دارد، از همان آغاز توجه و اقبال ارباب تراجم و مؤرخان را به خود جلب کرده است، چنانکه اغلب آنان در نوشتن شرح حال جامی به نوشته وی اعتماد کرده‌اند. یکی از این جمع فخرالدین علی صفی (م: ۹۳۹)، صاحب رشحات عین الحیات، است که بنا به گفته خود هم‌داماد جامی و مصاحب و معاصر وی بود و البته می‌توانست دیده‌ها و دانسته‌های خود را در پیرامون زندگی و احوال او بی‌آورد، اما با اتکام و اعتماد به نوشته لاری، با تأیید ضمنی آن، بخش عمده‌ای از تکمله را در رشحات خود آورده است.

### ۳ - شرح بر رساله تحقیق مذهب صوفی و متکلم و حکیم<sup>۲۲</sup>

«رساله تحقیق مذهب صوفی و متکلم و حکیم» را جامی به درخواست سلطان محمد دوم عثمانی، در سال ۸۸۶ تألیف کرد. این کتاب به زبان عربی نوشته شده است و در آن مؤلف بر این بوده است که نظر صوفیان و متکلمان و حکیمان را، در

باب چند مسأله مهم بیان و نقد کند و به اصطلاح میان این گروه‌های فکری «محاکنه» ای ترتیب دهد.

شرح لاری بر این رساله، به اقتضای موضوع آن که در پیرامون اصلی‌ترین مسائل تصوّف و کلام و حکمت است بیشتر و بهتر از دیگر آثارش عمق نظر و تأملات وی را نشان می‌دهد.

#### ۴ - حاشیه بر الفوائد الضیائیة

«الفوائد الضیائیة فی شرح الکافیة» خود شرحی است بر «کافیة» ابو عمر و جمال‌الدین عثمان بن عمر، معروف به ابن حاجب (م: ۶۴۶)،<sup>۲۳</sup> در نحو که جامی در سال ۸۹۷ - در هشتاد سالگی و یک سال پیش از مرگ - برای فرزندش ضیاء‌الدین یوسف و به نام او نوشته است. این شرح جامی سالها کتاب درسی طالبان علوم عربیت بوده و هنوز هم مقام گذشته خود را از دست نداده است. با اینکه حاشیه لاری بر این شرح ناتمام مانده<sup>۲۴</sup> و تا مبحث اصوات است، اما در جای خود، از معروفترین آثار اوست.<sup>۲۵</sup>

#### ۵ - شرح بر الاصول العشرة

«الاصول العشرة» از رسایل منسوب به احمد بن محمد بن عبداللّه خیوقی، ملقب و معروف به نجم‌الدین کبری (م: اوائل قرن هفتم)<sup>۲۶</sup> است، و نام آن را «رساله ای در بیان طریقت شطّار»، «اقرّب الطرق الی اللّه» و غیر آن نیز گفته‌اند. لاری این رساله موجز و مختصر را که در حقیقت اصول دهگانه طریقت شیخ کبری و به زبان عربی است، به فارسی برگردانده و بروفق مشرب خود که مبتنی بر تعلیمات محیی‌الدین ابن عربی (م: ۶۳۸) است، شرح کرده است.

لاری در بیان سبب این ترجمه و شرح، در مقدمه شرح الاصول العشرة می‌گوید:

«تصدی این شغل هرچند مناسب فقیر نبود، اما چون بعض مخادیم - سلّمهم اللّه و ابقاهم - که ایشان را به فقیر التفاتی است و فقیر را به ایشان اخلاصی، استدعا نمودند که [ظ: زائد است] به موجب فرموده ایشان این گستاخی کرد، و آن سخنانی که به طریق مطالعه یا سماع حاصل شده بود، بعد از ترجمه اصل در شرح

آن نوشته آمد...» ۲۷

چنانکه ملاحظه می‌شود اغلب نوشته‌های شناخته شده لاری در پیرامون آثار استادش، جامی، است، و او مانند بسیاری از مولفان روزگار خود، ظاهراً، در پی موضوع تازه‌ای بر نیامده است. اما آیا او جز آنچه آوردیم اثر دیگری داشته و پس از وی برجای مانده است؟ شاید روزی جستجو در عالم مجموعه‌های خطی فهرست نشده یا ناشناخته به این پرسش پاسخ دهد.

رضی الدین عبدالغفور لاری یکی از معروفترین مریدان و شاگردان جامی، و به گفته عبدالواسع جامی صاحب مقامات جامی، یکی از دانشوران مسلم زمان، در روز یکشنبه، پنجم شعبان سال ۹۱۲ در هرات در گذشت و نزدیک خاکجای استاد خود به خاک سپرده شد. آن روز شاعری در مرگ او سرود: ۲۸

چو شد عبدالغفور آن کامل عصر	به عقبی غرقه دریای غفران
سرآمد روزگار دین و دانش	فرو رفت آفتاب علم و عرفان
چو خواهی روز و ماه سال فوتش	بگو «یک شنبه پنجم ز شعبان» ۲۹

## یادداشتها و منابع

۱ - با برنامه (تزوک یا واقعات بابری)، ظهیرالدین بابر، با ترجمه فارسی عبدالرحیم خان خانان، چاپ (مغلوط) هند، ۱۳۰۸ ه. ق، ص ۱۱۲ (اصل این کتاب به زبان جغتایی است. و تاکنون به چند زبان اروپایی ترجمه شده است درباره اهمیت و ارزش این کتاب رک: دایرة المعارف فارسی)

۲ - امروزه دهی است از دهستان کاریزنو، بخش تربت جام شهرستان مشهد، با نام «لنگر»: گفته‌اند پس از آن که شاه قاسم انوار در آنجا اقامت کرد به این نام، «لنگر»، معروف شد. رک: لغت نامه

۳ - برای نمونه یاد آوری کنیم که: جامی ساکن هرات و دلبسته دربار سلطان حسین بایقرا، رساله «تحقیق مذهب صوفی و متکلم و حکیم» را به درخواست سلطان محمد عثمانی (م: ۸۸۶) و سلمان و ابسال را به نام سلطان یعقوب ترکمن آق قویونلو (م: ۸۹۶) نوشته است، و در مجموعه منشآت او مکتوباتی هست که خطاب به شخصی موسوم به «ملک



التَّجَارِ هِنْدُوسْتَانِ» است. و نیز رک: جامی حکمت، انتشارات توس، ۱۳۶۳ ص ۴ به بعد  
۴ - فخرالدین علی صفی (م: ۹۳۹)، فرزند ملاحسین واعظ کاشفی مشهور، که از آثار او  
«رشحات عین الحیات» تذکره ای در احوال مشایخ نقشبندیّه و «لطایف الطوائف» به  
چاپ رسیده و معروف است. برای احوال او، رک: رشحات عین الحیات، با مقدمه و  
تصحیحات و حواشی و تعلیقات دکتر علی اصغر معینیان، ۱۳۵۶، ص ۶۵ (مقدمه مصحح)  
۵ - ابو ثابت، سعد بن عبادة بن دلیم (م: ۱۶ ه.ق.)، از بزرگان انصار و رئیس قبیله خزرج،  
می گویند پس از رحلت رسول اکرم (ص) خود داعیه خلافت یافت و با خلیفه اول بیعت  
نکرد. رک: الاصابه فی معرفة الصحابة، ابن حجر عسقلانی، دار الکتب العربی (بیروت)،  
ج ۲ ص ۲۷

۶ - از جمله در حواشی خود بر نفعات الانس جامی، پس از این در متن خواهد آمد.  
۷ - رک: تکمله نفعات الانس (همراه حواشی لاری بر نفعات الانس)، عکس شماره ۱۷۶۸  
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ورق ۹۵. و نیز رشحات عین الحیات، ص ۲۸۷  
۸ - فخرالدین علی صفی می نویسد: آن حضرت [جامی] بعد از مقابله شرح فصوص الحکم  
در آخر کتاب مولوی [لاری] این کلمات قدسیه سمات نوشته بودند که: «تمت مقابله  
هذا الكتاب، بینی و بین صاحبه، و هو الاخ الفاضل و المولی الكامل، ذو الرأی الصائب و  
الفکر الثاقب، رضی الملة و الدین عبدالغفور...» رشحات عین الحیات، ص ۲۸۶  
۹ - لاری می نویسد: «در درون شهر هرات مدرسه ای ساخته اند یعنی جامی] او در خیابان  
[قریه و ناحیه ای بر شمال و حومه شهر هرات. رک: جغرافیای حافظ ابرو، چاپ بنیاد  
فرهنگ/۲۱] مدرسه و خانقاه دیگر. و در ولایت جام مسجد جامع ساخته اند. اکثر  
املاک را وقف مدرسه خیابان که در جوار حضرت ایشان است کرده اند.» تکمله، ورق  
۸۹

۱۰ - بابرنامه، ص ۱۳

۱۱ - مانند: طبقات الصوفیة انصاری، کشف المحجوب هجویری، اسرار التوحید محمد بن  
منور، مقامات ژنده پیل غزنوی، مناقب العارفين افلاکی، مصباح الهدایه کاشانی و...  
۱۲ - مانند: طبقات الصوفیه سلمی، رساله قشیریّه، تفسیر کبیر رازی، فتوحات مکیه و  
فصوص الحکم ابن عربی، مرآة الجنان و روض الریاحین یافعی و...  
۱۳ - لاری در هنگام تألیف نفعات الانس (۸۸۱ - ۸۸۳) از شرف صحبت و ملازمت جامی  
برخوردار بود. خود وی می نویسد: «فقیر روزی پیش حضرت ایشان در آمدم... و در

آن حین به کتابت نفعات الانس مشغول بودند.» تکمله نفعات الانس، نسخه عکسی، ورق

۸۵

۱۴ - حواشی نفعات الانس، نسخه عکسی، ورق ۱

۱۵ - حواشی لاری، تا آنجا که ما می‌دانیم، پیش از این به همراه نفعات الانس، به سال ۱۳۳۲ ه. ق، در تاشکند به طبع رسیده بود، و نگارنده نیز در ضمن تعلیقات خود بر آن کتاب

آورده است. رک نفعات الانس، چاپ مؤسسه انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰

۱۶ - بعضی این تکمله را، به سبب آن که مؤلف پس از حواشی خود بر نفعات الانس نوشته است، «تکمله حواشی نفعات الانس ۱» نامیده‌اند. رک رشحات عین الحیات، ص ۲۸۷،

تکمله، به تصحیح و مقابله و تحشیه بشیر هروی، کابل، ۱۳۴۳ (عنوان کتاب)

۱۷ - تکلمه، نسخه عکسی، ورق ۸۲

۱۸ - مانند آنچه جامی در باب دیدار خود با بعضی از مشایخ نقشبندیه از جمله خواجه محمد

پارسا، فخر الدین لورستانی، برهان الدین ابو نصر پارسا و... دارد. رک: تکمله، نسخه

عکسی، ورق ۹۵. و بسنجید با نفعات الانس، صفحات ۳۹۷، ۴۰۱، ۴۵۴

۱۹ - رک: رشحات عین الحیات، صفحات ۲۵۲ و ۲۸۷. اما جای این احتمال نیز هست که

علی صفی این مطالب را پس از تألیف و در تجدید نظرهای خود بر رشحات افزوده

باشد، چه واقعه در گذشت لاری را نیز، که در سال ۹۱۲ اتفاق افتاده و سالهایی پس از

۹۰۹ سال تألیف کتاب است در آن آورده است. و نیز رک: رشحات عین الحیات،

ص ۶۶۸ (استدراکات مصحح)

۲۰ - «مخفی نماند که خدمت خواجه کلان ولد بزرگوار حضرت مولانا سعدالدین کاشغری

[از مشایخ نقشبندیه، م: ۸۶۰]. قدس سره - دو صلیبه داشتند که یکی به حباله حضرت

مخدوم [جامی] در آمد و دیگری حواله راقم این سطور شد.» علی صفی، رشحات، ص

۲۸۲

۲۱ - و نیز رک: مقامات عبدالرحمان جامی، از کمال الدین عبدالواسع جامی باخرزی، فیلم

شماره ۴۸۱۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (آمدن یکی از اعقاب مولوی به هرات،

سخن جامی درباره فخرالدین لورستانی و خواجه پارسا و...)، تحفه سامی، از سام میرزا

صفوی، با تصحیح و مقابله وحید دستگردی، کتاب فروشی فروغی، لتهران، چاپ دوم،

[ظ: ۱۳۵۲]، ص ۸۵

۲۲ - این شرح به همراه «رساله تحقیق مذهب صوفی و متکلم و حکیم یا الدرّة الفاخرة

به اهتمام نیکو لهیر و علی موسوی بهبهانی، در سال ۱۳۵۸ در سلسله انتشارات موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل به طبع رسیده است (صفحات ۷۵ - ۱۱۳)

۲۳ - برای شرح احوال ابن حاجب رک: الاعلام خیر الدین زر کلی، بیروت، چاپ هفتم، ۱۹۸۶، ج ۴ ص ۲۱۱ و منابعی که در آن آمده است.

۲۴ - پس از لاری عبدالحکیم بن شمس الدین پنجابن سیالکوتی (م: ۱۰۷۰) این شرح را به پایان برد

۲۵ - این شرح بارها به همراه شرح ملا جامی به چاپ رسیده است.

۲۶ - برای شرح احوال و آثار و زندگی و درگذشت شیخ نجم الدین، احمد بن عمر، طامة الکبری، معروف به شیخ ولی تراش رک: دنباله جستجو در تصرف ایران، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۸۱ به بعد (شیخ کبری و خلفایش)، مجمل فصیح خوانی، به اهتمام محمود فرخ، ذیل سنه ۶۱۸، صفحات الانس/۴۲۲

۲۷ - الاصول العشره، به اهتمام نجیب مایل هروی، انتشارات مولی، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۳۰

۲۸ - رشحات عین الحیات، ص ۳۰۲

۲۹ - (یک=۳۰) (شنبه=۳۵۷) (پنجم=۹۵) (ز=۷) (شعبان=۴۲۳) = ۹۱۲

شؤبہ شکار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی